



## تنها اعتلای کمونیسم در ایران میتواند ورق را برگرداند!

فوار عبدالهی

"نرخ بیکاری جوانان تا ۲۴ ساله کشور ۳۰ درصد شد. این نرخ برای زنان ساکن شهرها به ۵۴,۴ درصد رسید... بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی ۳ قفله شده و نبود شغل حتی به مقطع دکترا هم رسیده تا جایی که برخی برای نجات خود از بیکاری مجبور شده‌اند به مشاغلی رو بیاورند که هیچ نسبتی با تحصیلات آنها ندارد..."

این مختصری از گزارش خبرگزاری مهر، یکی از رسانه‌های سرسپرده جمهوری اسلامی از آیدمی بیکاری و وضع فلاکت‌بار معیشت مردم است. کار به جایی رسیده است که چهره پلید جمهوری اسلامی و بحران عمیق اقتصادی در ایران را خودی ترین خودی‌ها ایشان جار می‌زنند. ربودن گوی سبقت کاربدسان دولتی در افشای یکدیگر و انگشت اشاره علیه همدیگر، خیره کننده است.

وعده های ۱۰۰ روزه "گشایش اقتصادی" و "سر و سامان دادن به اقتصاد" جناب روحانی و "کارآفرینان محترم" به شرط برجام را یادتان است؟ دود شد و هوا رفت. کیست که امروز نداند در جمهوری اسلامی این شعارها چیزی جز اسم رمز یک مشت گانگستر سیاسی - مالی نیست که آب و آذوقه و آزادی مردم را بیش از سه دهه است گرو گرفته اند و کوتاه نمی‌آیند. مهندسی فلاکت، و قفل زدن به دهان مردم، و تحمیل خفقان، راز بقای این جمهوری و هر آلت‌رناتیو بورژوازی در ایران است اگر که در فکر بقاست.

در مقابل عکس العمل کارگران به تعرض این رژیم به سطح معیشت شان و عواقب بحران حاد و عمیق اقتصادی گریبانگیر جامعه، کرور کرور از کار بیکار میشوند و اخراجشان میکنند... صفحه ۴

## اعتراض مردم بلداجی به کمبود آب و تعرض نیروی انتظامی!

هزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

اعتراضات مردم زحمتکش شهر بلداجی با دخالت نیروی انتظامی و حمله به آنها به درگیری و زدوخورد کشیده شد. تعداد زیادی از مردم این شهر روز سه شنبه ۲۹ تیر ماه در اعتراض به کمبود آب و انتقال آب رودخانه سبزه کوه به منطقه سفید دشت جهت تامین آب مورد نیاز صنایع آنجا تجمع کردند. طبق اخبار منتشر شده در جریان یورش مزدوران جمهوری اسلامی به مردم یک نفر کشته شده و دهها نفر زخمی و تعداد زیادی نیز بازداشت شده‌اند. طبق خبرهای رسیده بعد از این اتفاق شهر و راههای ورود و خروج آن به حالت نظامی در آمده و فضای رعب و وحشت بر آن حاکم کرده‌اند. ...



کاملی از رابطه حکومت کنندگان و حکومت شوندگان در آمریکا را به صحنه آورده است. فردای اجرای هریک از این سیرک های مضحک با فریادها و شعار های پوچ و توخالی کاندیداها، شهروند آمریکایی از خود میپرسد که از



## انتخابات آمریکا؛ باخت - باخت حزب پیروز!

ثریا شهابی

ریس جمهور سیاه پوست چه نصیب او شده است که فردا از نوع زنانه آن بشود! این نمایشات نمی تواند پوششی، حتی موقتی، بر تشویش و اضطرابی بگذارد که خارج از کانون های تبلیغاتی، در جامعه، در محافل قدرت، در صف سیاستمداران، دولت، و قلب احزاب پارلمانی جاری است.

نه حزب دمکرات به رهبری خانم کلینتن تصویر روشنی از فردای احتمالا پیروز خود دارد و نه حزب جمهوری خواه به رهبری دونالد ترامپ. نه حزب دمکرات، که تلاش میکند با تکیه بر جنسیت کلینتن، اعتراض جامعه به ماجویسم شنیع و بنیادی در آمریکا، اعتراض به عقب مانده ترین شکل مردسالاری در قلب غول پیشرو جهان متمدن را پشت سر خود بیاورد، برنامه ای و تصویر روشنی از ... صفحه ۳

سابقه ای را چاشنی مراسم جدال های انتخاباتی در این کشور کرده است. تبلیغاتی که تلاش می کند دو چهره زشت و منفور، در یک سو هیلاری کلینتن از حزب دمکرات، بعنوان نماینده دست راستی ساختار حاکم ( استابلیشمنت) و اولین زن کاندیدا ریاست جمهوری، و از سوی دیگر دونالد ترامپ از حزب جمهوریخواه، بعنوان اولین مالی میلیاردر نماینده لمپن - ناسیونالیسم "ردنک" آمریکایی، کسی که از بخش های تحتانی جامعه آمریکا تغذیه میکند، را "انتخاب های احسن" جامعه آمریکا معرفی کند.

این تبلیغات هالیودی، و این هیجان ساختگی، معمولا عمری طولانی تر از یک برنامه شو تلویزیونی ندارد. شوی هایی که تا امروز تنها و تنها نمایش

مراسم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، با کنار کشیدن همه کاندیداها چپ و راست دو حزب اصلی دمکرات و جمهوریخواه، و با قرار گرفتن هیلاری کلینتن بعنوان کاندید حزب دمکرات آمریکا و دونالد ترامپ بعنوان کاندید حزب محافظه کار در مقابل هم، نظام سیاسی - پارلمانی و حاکمیت دمکراسی پارلمانی در این کشور را به لبه پرتگاه سرنوشت سازی کشانده است. پرتگاهی که بر لبه آن، هیچیک از طرفین تصویر روشنی از فردای پیروزی خود و فاکتورهای بر صدر نگاه داشتن خود، را ندارند. این جدال در صف احزاب پارلمانی، تنها جلوه کوچکی از بروز جدالهای عمیق تری در بطن جامعه آمریکا است. تبلیغات ارزان و مالی میلیون دلاری در آمریکا، هیجان بی

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## اطلاعیه حزب ...

مشکل کمبود آب در این منطقه و در بسیاری از مناطق ایران، امروز دیگر معضلی جدی است که تاکنون اعتراضات زیادی را در میان مردم باعث شده است. دو سال قبل در چهار محال بختیاری اعتراضات و تظاهرات زیادی به کمبود آب و پروژه های دولت برای انتقال آب به نقاط دیگر، صورت گرفت. در سایر مناطق و استانهای دیگر نیز از این نمونه ها کم نبوده است.

اینکه معضل کم آبی یک مشکل جدی اجتماعی است که در مناطق وسیعی از کشور مشکلات عدیده ای برای مردم فراهم کرده است در آن تردیدی نیست. علاوه بر اینکه بخشهای از مردم زحمتکش خصوصا در مناطق روستایی به دلیل کم آبی امکان تامین معاش خود را از دست داده و عملا به خیل بیکاران پیوسته اند، بلکه مردم زحمتکش در شهرهای مختلف ایران با کمبود آب آشامیدنی هم دست و پنجه نرم میکنند. با این وصف و علیرغم قول هایی که سران جمهوری اسلامی و مسئولین مختلف آنها به مردم داده اند، مشکلات مردم نه تنها کاهش نیافته بلکه بی آبی زندگی بخشی از آنها را به تباهی کشانده است.

باید اضافه کرد که بی توجهی به منابع طبیعی، فضای سبز و عدم هزینه کردن جمهوری اسلامی برای حل مشکل بی آبی، مشکلات جوی و گرد و غبار و هوای نامناسب و ...، انواع مشکلات دیگر را برای مردم ایران فراهم کرده است. بیشک مردم بلداجی و سایر شهرها و روستاها چه در چهار محال بختیاری و چه در سایر مناطق ایران راهی جز اعتراض متحدانه علیه جمهوری اسلامی و با خواست و مطالبه روشن نندارند. حاکمیتی که کل دارایی و امکانات یک جامعه بزرگ مثل ایران را در اختیار

دارد و عده قلیلی از آن به جیب میزنند و به نام مملکت سرمایه های افسانه ای به تاراج میبرند، وظیفه دارند امکانات مورد نیاز مردم آن جامعه از جمله مشکل بی آبی و ... را نیز جوابگو باشند.

اما و در این میان عده ای تلاش میکنند مشکل و معضلات مردم را دستمایه تبلیغات ناسیونالیستی کنند و مردم مناطق دیگری را عامل مشکل بی آبی معرفی کنند. در اعتراضات مردم در چهارمحال بختیاری در دوره های مختلف و از جمله در این دوره شاهد تبلیغات تفرقه افکنانه و تحریک آمیزی هستیم که گویا مردم اصفهان و شهرهای دیگری که گویا بخشی از آب چهار محال بختیاری به آنجا میرود، مسئول و عامل بی آبی هستند. این نگاه کور و تحریک آمیز که جز دامن زدن به نفرت کور و تعصبات عقب مانده و نفاق افکنانه در میان مردم محروم نتیجه ای ندارد، تبلیغاتی که به همدلی و همسرنوشتی و اتحاد مردم زحمتکش لطمه میزند و جمهوری اسلامی را از زیر تیغ اعتراض برحق مردم بیرون میکشد عملا کمک بزرگی به جمهوری اسلامی و شکست اعتراضات خود این مردم خواهد کرد. مسئول معیشت، رفاه و ... دولت جمهوری اسلامی است نه بخش دیگری از شهروندان جامعه.

حزب حکمتیت ضمن دفاع بی اما و اگر از مبارزات و اعتراضات مردم محروم شهر و روستاهای مختلف چهار محال بختیاری برای تامین آب و سایر مطالبات رفاهی و ... آنها، توجه مردم مبارز و هر انسان شریف و آزادیخواهی را به مخاطرات تبلیغات نفاق افکنانه و سموم ناسیونالیستی و قومی و محلی گری جلب میکند. داشتن حق زندگی مرفه و آزاد و امن ابتدایی ترین حق هر انسانی در این جامعه مستقل از هر نوع رنگ و نژاد و زبان و محل زندگی است.

## رفاه؛

## بخشی از منشور

## "رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"

رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

– تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

– بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

– برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

– تعطیلی دو روز متوالی در هفته

– پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

– ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

– پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

– حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

– تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

– تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و ...) برابر با مزد متوسط کارگر.

– در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

تامین ابتدایی ترین امکانات انسانی در هر شهر و روستایی در گرو اتحاد و همبستگی مردم زحمتکش و در گرو تقویت همسرنوشتی و همدلی و مبارزه مشترک در مقابل جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران-

حکمتیت (خط رسمی)

۳۰ ژوئیه ۲۰۱۶

حکمتیت را توزیع کنید!

حکمتیت را بدست کارگران

برسانید!

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

## انتخابات آمریکا...

فردای احتمالا پیروز خود دارد، و نه رقیب این حزب. حزب جمهوری خواه که تلاش میکند فشار ساختار شکنی شهروند آمریکایی که به سرتاپای نظام بی اعتماد است را به سکوی عروج خود تبدیل کند، هم از فردای پیروزی خود کمترین تصویری ندارد! همانطور که سردمداران و رهبران مخالف و موافق "برکزیت" در دولت و احزاب پارلمانی بریتانیا، این تصویر را نداشتند.

علم به این واقعیت که نه تنها هردو کاندید موجودات منفوری از منظر جامعه اند، که فردای پیروزی هریک از این دو شخصیت، تازه آغاز کار هر دولتی خواهد بود که مسولیت حل معضلات جامعه ای فی الحال عمیقاً شکاف برداشته و بی اعتماد و متوقع را بر عهده دارد، و ناروشن بودن توانایی شان در حفظ اقتدار سیاسی و اقتصادی، آینده را برای هردو حزب در هاله ای از ابهام فرو برده است. رسانه ها به درست این روند را، ورسیون آمریکایی "برکزیت" می نامند! آن را روندی میدانند که در فضای "ضد سیاستمداران" هر غیرممکنی را، از جمله پرزیدنت شدن ترامپ را، ممکن میکنند! این روند، هرچه بنامندش، لحظه ای از روند درهم شکستن دیوارهای سنتی اعتمادی است که در گذشته سیاستمداران و احزاب و پارلمان و دولت ها را از تعرض شهروندان جوامع غربی محفوظ نگاه می داشت.

دخالت شهروندان از پایین، در کیس بریتانیا با "برکزیت"، پشت کردن وسیع توده ای به تمام اخطارها، توصیه ها و تبلیغات و مشاوره های شخصیت ها، احزاب، و نهادهای سیاسی و اقتصادی سنتی حاکم در بریتانیا، تمام محتوای آن پدیده ای بود که برگزیت را تحت پرچم راست افراطی "خارج از نظام"، متولد کرد. از پس از جنگ جهانی دوم، جهان غرب هرگز تا این درجه از پایین به سیاست آغشته نبوده است و شهروندان، هرگز تا این درجه هر روز و هر لحظه بشکل فردی و جمعی، در مورد اوضاع

سیاسی دخالت نکرده اند. مستقل از اینکه این دخالت با چه افق و پرچمی، و تحت اتوریته کدام جنبش سیاسی دست راستی یا چپی، عمل کند و عمل کرده باشد.

احساس ترس، نا امنی، بی اعتمادی به بالا، و ضرورت دخالت مستقیم خود برای سمت و سود دادن به آئینده در راستای منافع خود، که امنیت، در صدر آن است، امروز اروپا و آمریکا را به خاورمیانه و آسیا و آفریقا وصل کرده است. آتمسفری که دهه ها است در پاکستان و ایران و کشورهای خاورمیانه و آسیا و آفریقا، در جوامع سنتا از نظر سیاسی نا امن و مختق، بی ثبات و با حکومت های رسماً دیکتاتور و در فقدان دمکراسی غربی حاکم بود، امروز در اروپا و آمریکا، هم حاکم است. در این منجلاب عفونی که در سراسر جهان برپا کرده اند، هر جنس بنجلی را میتوان بعنوان "انتخاب"، نه احسن که از سر ترس، احساس ناچاری و استیصال، به خورد شهروندان داد.

هردو حزب میدانند که برد یا باخت هریک، تازه آغاز کار است. آمریکای شکاف برداشته، انتظارات فردای بعد از این انتخابات، بی نقشه و بی برنامهگی و گذران روزانه در عالم سیاست، پشت در خوابیده است. باخت - باخت احزاب سنتی پارلمانی و هییت های حاکمه در قدرت، از بریتانیا تا آمریکا، آغاز شده است. تعیین سیاست در اروپا و آمریکا، بخصوص بعد از "برکزیت"، از سالن های پارلمان ها و بنگاههای رسمی سیاسی و اقتصادی و در کنترول سیاستمداران و احزاب اصلی پارلمانی، خارج شده است. تولید سانتر جدید از درون راست و انقلابی از درون چپ، برای بورژوازی غرب و احزاب پارلمانی آن، ممکن نیست. پدیده سوخته "سندرز" آمریکایی و "گوربن" به بن بست رسیده انگلیسی، تیر اخری بود که دمکراسی شلیک کرد. یا چپ، کمونسم و طبقه کارگر از پایین دخالت میکنند و ورق را برمیگرداند، یا متعفن ترین جریانات دست راستی قد علم میکنند و تعرضی وسیع به تمام

## امنیت؛

## بخشی از منشور "رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میدانند.

حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

- با این وجود مادام که نیروهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

۱- اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.

۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.

۳- نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.

۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.

۵- لغو دیپلماسی سری  
۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی.

دستآورد های تاکنونی تمدن بشریت، در خاورمیانه و بمب گذاری ها و سربردن های در اروپا و آمریکا، شتار سیاهان در نفس زرمه امکان تصویب قانون اعدام در ترکیه، در کشوری که کاندید عضویت در اتحادیه اروپا است و در گذشته نه چندان دوری کیس "نقض حقوق بشر"، مانع آن بود، خصلت نمای اوضاع است. وضعیت ترکیه، سرکوب های افسار گسیخته، و لغو تمام آزادی های هرچند محدود بدست آمده، راه "حفظ امنیت"، خروج از بن بست و بحران سیاسی و اقتصادی، را به بورژوازی غرب، از اروپا تا آمریکا، نشان میدهد.

نگاهی به افسار گسیختگی ترور و کشتار و انفجارت و بمباران مردم بیگناه در خاورمیانه و بمب گذاری ها و سربردن های در اروپا و آمریکا و جنایات دولت ترکیه و ... هشدار میدهد. این فراخوانی به دخالت در ابعاد وسیع است. اگر کمونیست ها جایی به قدرت برسند، اگر جایی قدرت نمایی کنند، اگر جایی سرنوشت جامعه را بدست بگیرند، اگر جایی به نیروی خود امنیت شهروندان را تامین کنند، ورق بر میگردد. شتاب رویدادها و تحولات، دخالت ما و جنبش ما را فرامیخواند. سقوط دمکراسی پارلمانی از پرتگاه این و آن انتخابات و این و آن فراندم، میتواند با عروج کمونسم و سوسیالیسم، پاسخ بگیرد.

**تنها اعتلای کمونیسم ...**

حملات وسیع جمهوری اسلامی به سطح معیشت کارگران، ورشکستگی و بحران عمیق اقتصادی در ایران، فشار اقتصادی بر زندگی کارگران را به نهایت درجه رسانده است. ابعاد این فلاکت در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. قدرت خرید واقعی دستمزد کارگران روزانه کاهش میابد. مبارزه برای اضافه دستمزد دریافتی کارگران، مبارزه برای بهبود شرایط کار و رفاه عملاً نادیده گرفته میشود و بعضاً سرکوب میشوند. شب بیکاری و خانه خرابی دور سر میلیونها کارگر در پرواز است و هم اکنون تامین معاش میلیونها کارگر بیکار بر دوش شاغلین خانواده قرار گرفته است. کارگران مبارز و رهبران کارگری مورد تعقیب و فشار دستگاه اختناق و سرکوب پلیس بورژوازی و عمال اسلامی آنها قرار دارند. کارگران قربانیان اصلی بربریتی اند که سرمایه تحت پرچم جمهوری اسلامی و به اتکاء سرنیزه میکوشد به کل جامعه تحمیل کند. گرانی و بیکاری و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی هر دم فزاینده، افزایش ساعات کار و بهره کشی از کرده کارگران، کارد را به استخوان هر جنبنده ای رسانده است. به همه این اجحافات مسله اخراج دسته جمعی کارگران را هم اضافه کنید. کارفرمایان و دولت مطبوعه اعتدالشان دقیقاً به اتکاء بیکاری میلیونها انسان و نیاز روزانه این توده وسیع میلیونی به حداقل امکانات معیشت و گذران، دست به تهدید و حتی عملی کردن اخراج دسته جمعی کارگران می زنند. شمشیر داموکلس اخراج بر سر شاغلین طبقه کارگر، حربه ای برای تقویت شکاف بین کارگر بیکار و شاغل و وادار کردن کارگران به تسلیم به شرایط نامساعد موجود است. این آن حربه ای است که کل بورژوازی علیه کارگران به دست میگیرد. در نتیجه، بیکاری فقط مسله

ای مربوط به کارگران بیکار نیست، بلکه و ازقضا شتری است که دم در کارگران شاغل خوابیده است. بیکاری تنها یک بخش از طبقه کارگر را به گرداب فقر و نداری نمیراند، بلعکس، سطح دستمزد کارگران شاغل و بطور کلی شرایط معیشت این بخش از طبقه را به قهقرا میراند و هزینه های کمرشکنی را بر دوش خانواده های کارگری سرازیر میکند. طبقه کارگر ایران تا هم اکنون از باد زدن روزانه این سیاست بورژوازی در تعمیق تفرقه در صفوف اش به اندازه کافی لطمه دیده است. فوری ترین وظیفه ای که چه به اعتبار مکان و اهمیت پرولتاریای شاغل در شرایط کنونی مبارزه طبقاتی در ایران، چه به اعتبار هدف فوری اتحاد و یکپارچگی کارگران شاغل و بیکار و چه به منظور ارتقای سطح معیشت و قدرت کافی در مقابل جمهوری اسلامی، بر دوش همه کارگران پیشرو و کمونیست است، بسط و گسترش اتحاد در صفوف خویش و گسترش یک مبارزه همه جانبه اقتصادی و طبقاتی علیه بالایی ها است. هر کارگری که طعم بیکاری و تنگنای مالی را چشیده باشد، هر انسانی که در مواجه با ابعاد گسترش ویروس بیکاری در جامعه امروز ایران خود را تنها یافته باشد و بر این تنهایی خود تاسف خورده باشد، هدف از اتحاد طبقه کارگر علیه بیکاری را درک میکند. در موقعیتی که بورژوازی با فشار فزاینده اقتصادی با تسلیغات زهرآگین خود میکوشد کارگران را تا حد آحاد کارگر تجزیه کند، روحیه مبارزاتی آنان را به سمت تغییر اوضاع در هم بشکند، در برابر جرایم جنایی که سرمایه داران و دولت اعتدال آنها به شکل خودکشی، خودسوزی، و بیماری های روحی آحاد طبقه ما مرتکب می شوند، اتحاد طبقاتی کارگران شاغل و بیکار تجلی امید، اعتماد متقابل و تلاش مشترک طبقاتی برای یک سنگربندی

اقتصادی علیه بورژوازی و نیز محصول تلاش خستگی ناپذیر کمونیست ها و پیشروان نهضت کارگری ایران در متشکل کردن و متشکل نگه داشتن کارگران است. کوچکترین بهبود در سطح معیشت طبقه ما در گرو متشکل شدن آن است. تحمیل هر مطالبه ای و لوسو ابتدایی به کارفرما و دولت بر محور اتحاد و میزان قدرت متحزب ما می گردد. به این اعتبار مبارزه علیه بیکاری نیز تابع همین قاعده است.

**کارگران!**

جمهوری اسلامی که سهل است، بورژوازی در اوضاع امروز در هیچ کجای جهان پاسخ اقتصادی و سیاسی درخور به حل بحران مالی خویش را ندارد. سرنوشت بشریت به امان خدا ول شده است. تمام کانونهای فکری و استراتژیکی بورژوازی در قلب جهان کاپیتالیستی در بی افقی و بی پاسخی مطلق به شرایط بحرانی و ناامن موجود، رو هوا معلق مانده اند.

اما ادامه زندگی به روال سابق ممکن نیست. این سرنوشت محتوم ما و میلیونها انسان نمیتواند باشد. باید بار دیگر صحت این حکم را اثبات کرد که تنها اعتلای جنبش کارگری و کمونیستی میتواند محور هر نوع تغییر و دگرگونی اساسی به نفع بشریت باشد. به این اعتبار تنها اعتلای کمونیسم در ایران میتواند مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به رهبری کمونیستها و طبقه کارگر و تحت مطالبات فروکوفته این طبقه را به سرانجام رساند. خاتمه دادن به بیکاری، فقر، فحشا، تبعیض، زن ستیزی، مذهب و ناسیونالیسم و کل جلوه های شرم آور نظام سرمایه داری که در جمهوری اسلامی یکجا جمع شده اند، در گرو دخالت و نقش کمونیستها و رهبران تیز بین طبقه کارگر در امر سیاست، تحزب و سازماندهی است. از هم اکنون باید کفن این نظام را دوخت.

اتحاد، تحزب، برادری و یکسوی شدن یکپارچه علیه بالا رمز پیروزی است. از همه وحشتناکتر برای جمهوری اسلامی و کل اردوی بورژوازی ایران، صدای اعتراض توده مردم زحمتکش است که بار دیگر در محلات کارگری شنیده میشود. آه و ناله رسانه های حکومتی و پریدن کاربدستان دولتی به هم، اعلام اوضاع بحرانی و بی جوابی جمهوری اسلامی به نیازها و مطالبات اساسی اکثریت مردم محروم ایران است. دوران پسابرجام باید بعنوان دوران عزم جزم کارگران و کمونیستها برای آغاز دور نوینی از مبارزه و امید به تغییر جهان و بازگرداندن اختیار به انسان توسط بازوی قدرتمند طبقاتی خویش باشد.

این با حزب ما و کمونیستها و پیشروان آگاه طبقه کارگر است که توده کارگران در بخشهای صنعتی و کلیدی را به نقش حساس و تاریخی شان، آگاه کنیم و کاری کنیم که شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری در هر کارخانه و محله کارگری طنین انداز شود. روزی که این امر متحقق شود روزی است که ناقوس مرگ بورژوازی و حکومت آن در ایران یعنی جمهوری اسلامی به صدا درآمده است.

**نشور "رفاه، آزادی و**

**امنیت مردم**

**ایران را**

**بدست گیرید!**

www.hekmatist.com  
 سردبیر: فواد عبداللہی  
 fuaduk@gmail.com  
 تماس با حزب  
 hekmatistparty@gmail.com

**قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!**